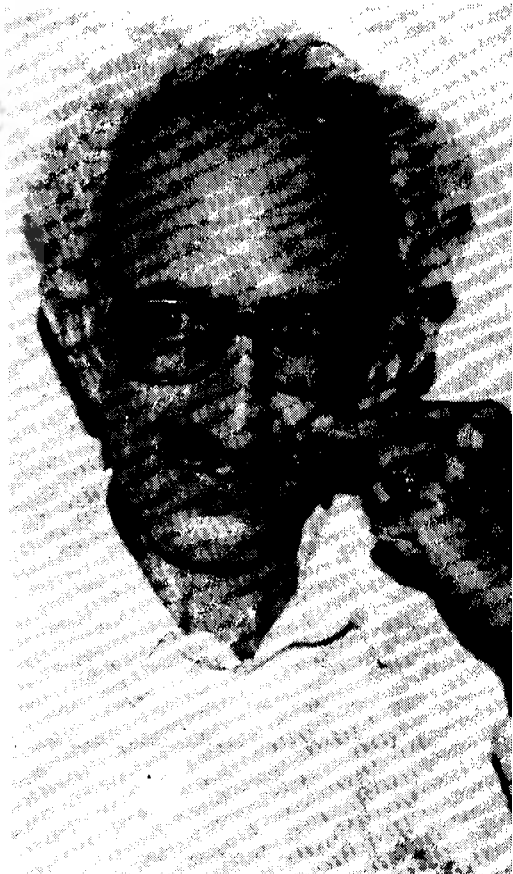


• آنجا که خامه شکر، گفتار بشکند...

□ در کنار استاد غلامحسین امیرخانی

□ از برگزاری کنگره بزرگداشت مرحوم «میرزا رضای کلهر»، ۱۱ تا ۱۶ شهریور - ساری، که با خیر شدیم، قرار بر این شد گزارشی از این مراسم تهیه شود. برای این منظور یکی از خبرنگاران عکاس مجله راهی مازندران شد، اما نه تنها؛ با دوستی که از خوشنویسان عزیز است. آنچه نصیب مجله شد از این سفر، مختصر گزارشی است که در پی می آید و گفتگویی به تفصیل با جناب استاد غلامحسین امیرخانی.

کنگره میرزا بهانه ای شد تا جاده های پر پیچ و خم شمال را که از زیبایی زیادی برخوردار است پشت سر گذاشته، هر چه زودتر خود را به ساری برسانیم. روزیازده شهریور به اردوگاه «نراجا» در خزرآباد سناری رسیدیم. تا رسیدن به محل کنگره پلاکارد خیر مقدم انجمن خوشنویسان به میهمانان دعوتی را، از جلوی چشم گذرانیدیم. هوای گرم و شرجی خزرآباد باعث می شد که خستگی راه را دوچندان حس کنیم؛ تازه در آن هوای گرم پنکه سقفی هم دردی را دوا نمی کرد. هرچوری بود تا ساعت پنج که مراسم افتتاح انجام شد، خودمان را مشغول بحث در مورد نحوه کار کنگره کردیم.



مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد و با پیام رئیس جمهور، آقای رفسنجانی، ادامه یافت. ایشان در قسمتی از پیامشان فرموده بودند: «هنر خوشنویسی همواره در جهت اعتلای فرهنگ و هنر و حکمت اسلامی قرار داشته است و کینک خیال انگیز خوشنویسان بر درخشندگی و غنای هنر اسلامی افزوده است. امروز به برکت انقلاب اسلامی، بعد از سپری شدن یک دهه از عمر انقلاب، هنر خوشنویسی درخشش و بالندگی تحسین برانگیزی یافته و برغزای هنر اسلامی و ملی ما افزوده. خاطره استاد کلهر را گرامی می دارم و توفیق و تأیید همگی اساتید و مدرّسین و هنرجویان انجمن خوشنویسان ایران را که یکی از نهادهای ارجمند و موفق فرهنگی کشور است، از خداوند متعال آرزو می کنم.»

پس از آن، آقای حاج سیدجوادی پیام وزیر محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای دکتر محمد خاتمی را قرائت نمود. سخنرانی استاد محمدتقی جعفری پیرامون «زیبایی محسوس و زیبایی معقول» در پی آمد. پس از آن فرصتی پیش آمد تا با مسئول ستاد اجرایی کنگره، آقای بنی عامریان، صحبتی داشته باشیم. ایشان ضمن یادآوری مصادف شدن یکصدمین سال وفات

«میرزا» با چهلمین سال بر پایی انجمن خوشنویسان، قسمتی از فعالیت‌های انجمن را طی این چهل سال برشمردند:

«در حال حاضر انجمن با دارا بودن ۳۱ شعبه در تهران و ۷۳ شعبه در شهرستانهای کشور و با داشتن ۱۹۲۰۰ هنرجو به عنوان یک واحد آموزشی موفق به کار خود ادامه می‌دهد که تمام این زحمات را مدیون افراد بزرگوارى مانند مرحوم سیدحسین میرخانی، مرحوم دکتر مهدی بیانی، مرحوم استاد بوذری و جنابان استاد سیدحسن میرخانی و استاد علی اکبر کاوه می‌باشیم.»

در ادامه صحبت با مسئول ستاد اجرایی متوجه شدیم که هریک از روزهای برگزاری کنگره به نام یکی از استادان ارجمند این رشته نام گذاری شده است و روزانه یک ویژه‌نامه به نامشان منتشر می‌شود: روز اول به اسم مرحوم استاد سید حسین میرخانی، روز دوم به اسم استاد سید حسن میرخانی، روز سوم به اسم استاد علی اکبر کاوه و روز چهارم به اسم استاد بوذری و استاد معصومی زنجانی.

در روزهای بر پایی کنگره اساتیدی چون آیت‌الله مرتضی نجومی، دکتر سادات ناصری، دکتر حسین الهی قمشه‌ای، دکتر حداد عادل و تنی چند از اساتید انجمن به ایراد سخنرانی و مباحثه در مورد هنر خوشنویسی پرداختند. کتابی نیز به عنوان یادنامه مرحوم میرزا محمدرضا کلهر به مناسبت بر پایی کنگره منتشر شد. از اینها گذشته فرصتی پیش آمد تا گفتگویی داشته باشیم با جناب استاد امیرخانی که ماحصل آن را به نظر می‌رسانیم:

□ قبل از هر چیز از حضرتعالی که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید متشکریم و تقاضا می‌کنیم پیش از طرح سؤالات، قدری درباره بیوگرافی هنریتان صحبت بفرمایید.

■ با نام و یاد خدا، کلاً ترجیح می‌دادم که سؤالات جنابعالی در مسائل کلی و مربوط به خط و خوشنویسی در حدی که بنده می‌توانم جواب بدهم، باشد؛ ولی خوب، برای رعایت ادب، جواب این قسمت را هم سعی می‌کنم مختصراً بدهم.

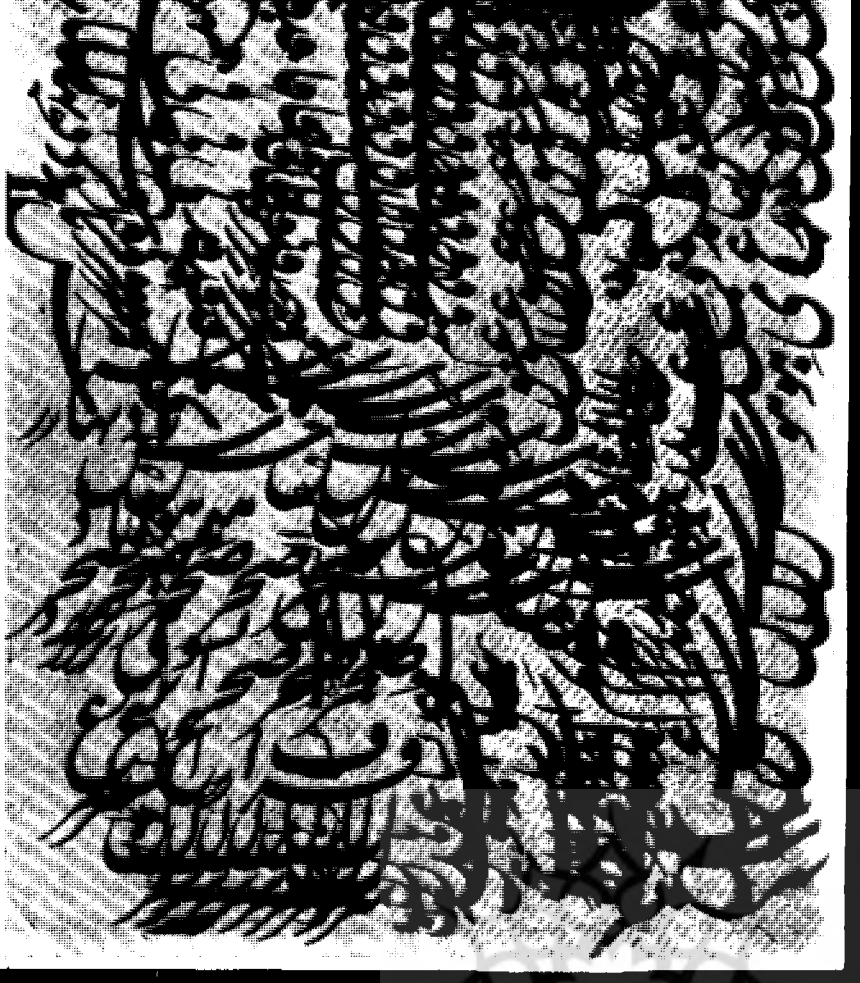
تولد من در سال ۱۳۱۸ و در طالقان بوده است. از اتمام بیجگی احسانم کشتش و علاقه فوق‌العاده زیادی می‌کردم نسبت به مسائل فرهنگی و هنری. مقتدر این طور بود که در حدود چهارسالگی با سواد شدم و از همان زمان نسبت به نوشتن احساس علاقه و کشش کردم. در آن وقت دسترسی به کاغذ نبود؛ دسترسی به وسیله دیگر، یا قلم و اینها هم کم بود. گاهی تکه‌ای حلبی یا تخته پاره‌ای پیدا می‌کردم و این هم مشکلی بود که درس قبل از دبستان کسی بتواند چیزی بخواند یا بنویسد، ولی وسیله خواندن و نوشتن نداشته باشد. از نظر روانی شاید خود این

وسيله مؤثری شد که من تمایل شدیدتری پیدا بکنم نسبت به خواندن و نوشتن.

به طور جدی وقتی با خط و خوشنویسی آشنا شدم که در کلاسهای خوشنویسی آن زمان که زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر اداره می‌شد، با مرحوم «آقا سید حسین میرخانی» آشنا شدم و از تعالیم ایشان بهره بردم. مدت کوتاهی خدمت ایشان فرصت تلمذ داشتیم و اتفاقاً آن ایام مقارن بود با اینکه وزارت فرهنگ و هنر نسبت به امر خوشنویسی احتیاج به همکاری داشت و بنده معرفی شدم و حدود بیست سال در فرهنگ و هنر به صورت رسمی به خوشنویسی پرداختم. بعد از انقلاب هم که کم و بیش اطلاع دارید. در ده سال گذشته، گاهی که مسائل اداری و مشغله مسئولیتی که در انجمن به عهده من گذاشته شده بود اجازه می‌داده، چیزهایی نوشته‌ام.

□ جناب استاد، برای ما بفرمایید در هنگام تلمذ بیشتر از چه شیوه‌هایی کمک می‌گرفتید؟

■ منظورتان از «چه شیوه‌هایی» این است که نحوه مثلاً انتخاب مدال یا سرمشق برای بنده چه بوده؟ □ بله.



● قلم تراشیدن میرزا

موجب شده که ایشان بتواند

از عهده یک سبک

به این خوبی

و پاکیزگی برآید.

● آثاری که

به دست هنرمند میرزا محمد رضا

به وجود آمده،

تا آن زمان و بعد از

خودش بی نظیر است.

■ خوب، طبیعی است که هر شاگردی پیروی می‌کند از استادش؛ ولی مرحوم «آقاسید حسین میرخانی» به عنوان یک استاد راهنما حقیقاً یک خصلت و صفت خوبی داشت؛ اگر می‌دید کسی سبک و سیاق و برداشتش خلقتاً جوروی است که غیر از شیوه خود ایشان است، اصراری نداشتند که او را تغییر روش بدهند. این را در مورد مرحوم «رضامافی» بنده شاهد بودم. چند سال بعد از من که مرحوم «مافی» خدمت ایشان رسیده بود، استاد می‌فرمودند که به «مافی» هم اصول و قواعد را سعی می‌کنم در حدی که می‌دانم بیاموزم، ولی هیچ وقت اجازه نمی‌دهم گردش دست و آن حال و طبع خودش را ترک کند و به شیوه من تأسی کند. همین نگرش و توجه «آقاسید حسین میرخانی» باعث شد که من تابع طبع و دید خودم باشم، که شاید یک تلفیق طبیعی بود از شیوه‌های قدیمی با نمونه‌هایی که کم و بیش در دسترس داشتیم. بعدها هم به همان ترتیب ادامه دادم؛ نمونه‌های کار استادان قدیم را تا حدی که می‌توانستم از آن استفاده کردم، توأم با تجربه‌ای که در محضر استاد و از ایشان کسب فیض کرده بودم. شاید حالا هم به همان صورت باشد.

□ استاد نظرتان راجع به خوشنویسی دوره قاجار چیست؟ اوج خوشنویسی در این دوره را در چه شخصیتی می‌بینید؟

■ دوره قاجار به طور کلی از حیث خوشنویسی خیلی پربار بوده است. دلایل اجتماعی و سیاسی آن را خودتان بهتر می‌دانید. خوب، بعد از مسئله «آقا محمدخان»، مردم ما یک دوره نسبتاً طولانی روی آرامش را دیدند، تا زمان «فتحعلی شاه» که مبتلا شد به قضیه روسها، و آن هم یک دوره ده ساله و تقریباً کوتاه مدت دیگری را ما آشوب و جنگ داشتیم. ولی اگر تمام دوره قاجار مورد پرسش جنابعالی هست و ما هزار و دوست را تاریخ شروع قرار بدهیم، دوره اقتدار آقا محمدخان ۱۱۹۳ بود، اما استقرار نظام حکومتی او از ۱۲۰۰ به بعد بود. و اگر وقتی که انگلیسیها «احمدشاه» را از ایران بردند، ۱۳۰۰ حساب کنیم — حالا یکی دو سالش مهم نیست — بنابراین از ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰، صد سال است. صد سال دوره حکومت قاجار در مقابل آن چند سال جنگ، نسبتاً دوره بدون کشمکش و آرامی بود. مشوق هنرهای اصیل بودند، مخصوصاً خود «ناصرالدین شاه» هم آدمی با طبع هنری بود و مشوق هنرمندان. و من پشت تقویمی که اخیراً به عنوان یادنامه مرحوم «میرزا محمد رضا» برای «کنگره ساری» در نظر گرفتیم و صفحاتی از این تقویم نفیس عکسبرداری شده، پشت یکی از آنها دیدم که ناصرالدین شاه به خط خود نوشته است خطاب به

وزیر مسئول مربوطه اش که: «دوست اشرفی به میرزا بابت حق التحریر تقویم پرداخت شود». البته وضع و اوضاع مالی آن دوره و تمام دوران قاجار، غیر از آقا محمدخان، خیلی بد بوده؛ بیکاری بوده و نظم و نسقی نداشته است اوضاع. با توجه به این شرایط می‌بینیم که یک رقم خیلی زیادی به عنوان تشویق دستور داده است که به میرزا بدهند. حالا اینکه این پول داده شده یا نه، آن امری است که باید تحقیق شود. چون میرزا وقتی می‌میرد و طبق تحقیق کرایه چند سالش را بدهکار بوده است نمی‌تواند دوست اشرفی گرفته باشد، مگر اینکه در راه گم کرده باشد. در حالی که باز بنده به خاطر می‌آورم در حدود شصت سال پیش خانه‌های حدود چهارراه لشکر ۸۰ تومان بوده است. بنابراین آن موقع یک آدم با دوست اشرفی می‌توانسته یک ده شش دانگ بخرد. اینها تناقضاتی است که باید حل شود. بنده البته کاری ندارم ولی در اصل تشویق تردیدی نیست که نسبت به هنرمند وجود داشته است. نمونه اش «مسجد عالی سپهسالار» است که «میرزا حسین خان سپهسالار» ساخته است. حالا شخصیت اجتماعی سیاسی اش باید در جای خود قضاوت شود، اما این اثری که به یادگار مانده از او، خیلی ارزشمند است. ما فقط بیایم در قسمت کتیبه نگاری این بنا، می‌بینیم که آثاری که به دست هنرمند «میرزا محمد رضا» به وجود آمده، تا آن زمان و بعد از خودش بی نظیر است، و ما کتیبه‌ای نداریم با این عظمت، حتی تا زمان صفویه که برای تشویق مسائل هنری و فرهنگی خیلی اقدام می‌کردند. حالا شعر و ادب، چون جای صحبت ما نیست، وارد نمی‌شویم و دیگر رشته‌ها هم همین طور. اما مسئله عقیق و مهر هم یکی از فرازهای درخشان دوره قاجار است و ما می‌بینیم به دست پدر و پسر هنرمندی به نام «حکاک باشی»، میراث ارزشمند «میرزا ظاهر» یا «ظاهر» معروف که حکاک بوده است، خیلی خیلی خوب و درخشان ادامه پیدا کرده است و عقیقه‌های بی نظیری از آن زمان به یادگار مانده است. روی هم رفته در مورد خوشنویسی می‌بینیم که خیلی خوب کار شده است و در امر کتابت نایغ‌ای به اسم «میرزا کلهر» به کمال می‌رسد؛ میرزا محمد رضا در کتابت و «میرزا غلامرضا» در کتیبه و «میرحسین» در سیاه متق البته شخصیت میرزا غلامرضا جامع است. در تمام اقلام در حدی که کمال و استادانه آثاری خلق کرده و حتی در پای قطعاتی که لازم شده با «پر» هم چیزی بنویسد، در حد کمال نوشته است. کتیبه‌هایی هم که از ایشان به یادگار مانده، به قدری عالی است که همان مسجد سپهسالار می‌تواند به اندازه کافی به یک دوره اعتبار و ارزش ببخشد. در کتابت هم که

عرض کردم میرزا در اوج ممکن، آثار بسیار ارزشمندی خلق کرده است.

□ به نظر شما هنر خوشنویسی توانسته است یا به پای سایر هنرها، با توجه به تحولات هنری، حرکت بکند؟

■ چه زمانی منظورتان هست؟ از زمان پیدایش خط؟ یا یک مقطع بخصوصی مورد نظران است؟

□ ببینید جناب استاد، الان در هنر نقاشی سبکهای مختلفی به وجود آمده؛ دور شدن از طبیعت و انتزاع تا رسیدن به فرمهای خالص. می‌خواهم ببینم در هنر خوشنویسی هم چنین تحولی صورت گرفته؟ اگر گرفته به چه شکل و اگر نه، خوشنویسی چطور می‌تواند متحول شود؟

■ تا آنجا که شنیده‌ایم دوهزار و چند نوع خط در هنر گرافیک در دنیای غرب کاربرد دارد؛ از مطبوعات تا سینما، کتاب و بقیه جاها. اگر بخواهیم آن طور حساب کنیم، خوب خوشنویسی در مملکت ما از حیث تنوع آن وسعت را ندارد؛ شاید پنجاه، شصت جور بیشتر نباشد. آنچه ما از گذشته داریم و آنچه در این ده — بیست — سی ساله اخیر، به مناسبت مورد ابداع شده، حالا «خط - نقاشی» می‌تواند یکی از نمونه‌هایش باشد، مورد استفاده تبلیغاتی نوع دیگری می‌تواند باشد؛ در زمینه‌هایی هم که اساتید گرافیک ما استفاده کرده‌اند، به عنوان یک بستر حرکت می‌تواند محسوب شود. اما آن چیزی که برمی‌گردد به منظور نظر شما، خط نستعلیق در نهایت ممکن زیبایی و کمال است که اگر هنرجویی بخواهد بهترین فضا را، به زبان سستی می‌گویم، از نظر «سواد و بیاض» ایجاد کند که ارزش هنری داشته باشد، خط نستعلیق به آن کمال رسیده است. منتها این نکته ممکن است برای بعضی موجب اشتباه ذهنی شود. رسیدن به حد قابل قبول در این خط، سی — چهل — پنجاه سال وقت می‌خواهد. طبیعی است که هنرجو و سالک این راه خسته می‌شود و احساس تکرار می‌کند و بنده از نظر خودم می‌گویم، شاید این جواب مناسبی باشد که مثلاً نت در موسیقی محدود است، ولی به دست هنرمند موسیقی شناس و موسیقی دان به بی نهایت الحان و آهنگ می‌تواند گسترش یابد. ۳۲ احرف فارسی یا هر خطی در هر زبانی، همین خاصیت و همین وسعت را دارد. خدمت بعضی از دوستانی که در جلسه‌های انجمن خوشنویسان گاهی صحبتی پیش می‌آید مطرح شده است که امر ترکیب و کرسی و فضا سازی به قدری می‌تواند متنوع و وسیع باشد که شاید صفت «بی نهایت» دقیق باشد برای آن. اگر حالا دستهای توانایی در حد دلخواه وجود ندارد که بتواند آن تواناییهای بالقوه را به فعل بیاورد، حرف دیگری است. چون باید خط اولاً به پختگی و کمال برسد تا

بزرگ داشته، نحوه قلم تراشی اوست. قلم تراشیدن «میرزا» موجب شده که ایشان بتواند از عهده یک سبک به این خوبی و پاکیزگی برآید.

□ آن گونه که از صحبت‌های جنابعالی برمی آید در توصیف مرحوم میرزا، هنرمند بایست خصوصیات روحی و اخلاقی خاصی را دارا باشد. شما به عنوان یکی از اساتید مسلم این هنر بفرمایید که چه رهنمود و پیامی برای هنرجویانی که می‌خواهند خوشنویسی را دنبال کنند و راه بزرگان این هنر را پی بگیرند، دارید؟

■ عرض کنم که از این جهت بنده باز اشاره می‌کنم به وظیفه معلمین - که این افتخار نصیب من هم شده - و بنابراین در این کرسی و سمت به خودم اجازه می‌دهم عرض بکنم والا حق نیست که کسی مثل من بخواهد برای دیگران توصیه‌ای داشته باشد. پیشنهاد و توصیه بنده این است که بچه‌های ما بیش از پیش کتاب بخوانند و این مطالعه صرفاً نباید یک اتفاق فرهنگی - هنری باشد، بلکه به عنوان یک برنامه زندگی باشد. جای کتاب را هیچ چیز نمی‌گیرد. عمقی که پیدا می‌کند اندیشه انسان از مطالعه کتاب، موجب می‌شود که مثلاً اگر در یک سخنرانی یا یک برخورد با یک برنامه حتی تلویزیونی مطلب عمیقی گفته شود، این آدمی که صاحب درد نباشد یا زمینه نداشته باشد - این صاحب درد بودن را من به عنوان «زمینه پذیرش» هم می‌توانم معنا کنم - و آشنا به مبانی نباشد، آن سخن بلند یا آن پیام متعالی را نمی‌تواند دریافت کند؛ گیرنده‌اش نمی‌گیرد. مطالعه به انسان آن زمینه و عمق را می‌بخشد که به حد بهره‌مندی می‌رسد از تمام آیه‌هایی که در طبیعت وجود دارد.

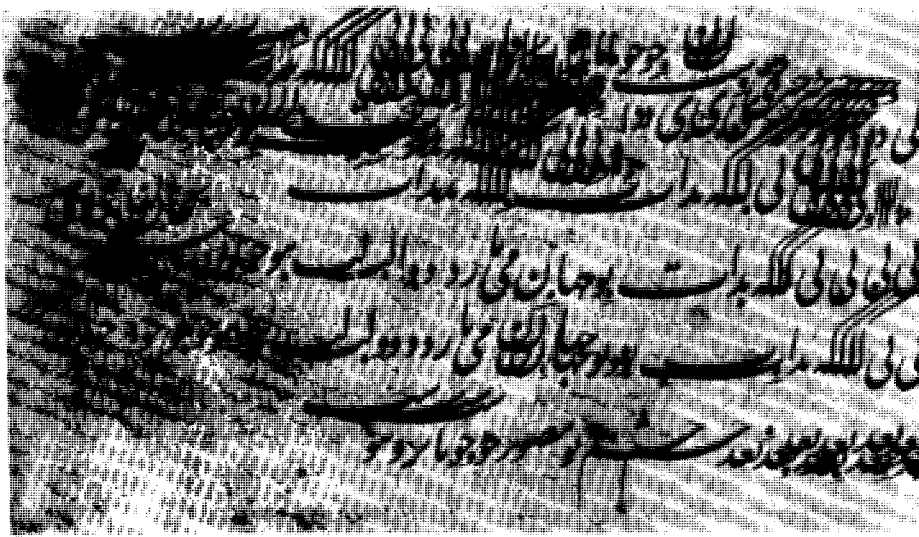
□ به عنوان آخرین سوال بفرمایید بازتاب کنگره بزرگداشت مرحوم میرزای کلهر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ بازتاب این کنگره را از جهت تبلیغاتی و از جهت اینکه به الگوهای جامعه و تاریخ و بزرگانگی که حقوقی دارند در یک ملت، بسیار خوب می‌بینم، که هم بزرگداشت است و تقدیر از این شخصیتها، و هم در جامعه این خوبی را دارد که جوانها رغبت می‌کنند و آن خط و آن مسیر را انتخاب می‌کنند. احتمالاً این ارج گذاری از این بابت خوب است.

□ مجدداً از شما برای شرکت در گفتگوی با «سوره» تشکر و سپاسگرمی می‌کنم.

■ بنده هم تشکر می‌کنم و معذرت می‌خواهم از اینکه حالم مساعد نبود.

■ ساه منقی از میرزای کلهر



□ حالا که سخن به اینجا رسید خواهش می‌کنم توضیحات بیشتری راجع به شخصیت مرحوم میرزای کلهر و کارهای ایشان بدهد.

■ شخصیت و منش ایشان در این کنگره مورد بحث قرار گرفت. شخصیت این آدم، یک شخصیت محکم و صاف و پاک، و دروازه آلاشهایی بوده که کم و بیش ما امروز با تراکم و شهرنشینی و خیلی گرفتاریها به آن مبتلا هستیم. ایشان با طبیعت و طبع ایلی که داشته، شاید بیشتر از یک شهرنشین آن زمان می‌توانسته بی‌آلایش و نزدیک به طبیعت باشد. از نظر رفتار و منش و خلق و خو هم آن قدر می‌دانیم که از طرف دربار کراهِ تمایل بوده است که با آنها همکاری بکند و طالبش بوده‌اند و ایشان کمتر رغبت نشان داده است، که این هم دلیلی می‌تواند باشد بر طبع بلند و وارستگی این مرد. اما از نظر شخصیت هنری، آثار و خطوط این مرد است که نتوانسته به ترتیبی که کاملاً تازگی دارد، در نوشتن کلمات به طوری عمل کند که برشها و چرخشهای قلم دیده شود. به این دلیل هنرجوی می‌تواند با ملاحظه خط کلهر، نسبت به قبل از او آموزش ساده‌تر و راحت‌تری داشته باشد؛ طوری که در انجمن خوشنویسان ایران در مدت سه - چهار - پنج سال، هنرجویان کاملاً به مبانی آن آشنا می‌شوند. البته حالا زمانی که برای قوام آمدن خط و پختگی‌اش لازم است به جای خود محفوظ، اقا در روش کلهر این یادگیری با سهولت بیشتری ممکن است. حرکت دومی که این مرد نابغه و

بعد بتواند در آن قسمتهایی که عرض کردم، هنرمند اثری بیافریند که قابلیت داشته باشد برای دیدن، ماندن، چاپ شدن و غیره.

راجع به خط - نقاشی، البته این شاخه بسیار زیبایی است و ارزش هنری دست‌اندرکاران آن را نمی‌شود نادیده گرفت، که بعضی خیلی موفق بوده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم «مافی» آثارش موزه‌ای و جهانی است. در حال حاضر هم دوستان و هنرمندانی که مشغول هستند، کارهای بسیار درخشانی از آنها می‌بینم و اصولاً به نظر من ادامه راه خط سنتی و اصیل، نه تنها با خط - نقاشی مغایرتی ندارد، بلکه با دهها و صدها نمونه‌های جدید هم، بنابراین نیازی که زندگی ما امروزه ایجاب می‌کند که تنوع و طرحهای جدیدی داشته باشیم، مغایرتی ندارد. می‌تواند راهش را ادامه بدهد و همان طراوت و کمال جویی و تازگی را احساس کنیم. منتها این نکته هم باید مورد توجه باشد که در یک هنر سنتی و اصیل مثل خط نستعلیق که ۶۰۰ - ۷۰۰ سال طول کشیده تا پالایش شده و به این حد رسیده است، تغییر و تحولش به همین اندازه، با ملایمت و دقت و ممارست و به دست افرادی که این توانایی و لیاقت را داشته باشند، صورت بگیرد. این چیزی نیست که یک شبه آن را بتوانیم شاهد باشیم. نظیر تحولی که «میرزا» به وجود آورد، نسبت به خطی که پایه و بنیان «میرعماد»ی داشت و از زمان صفوی به ما ارث رسیده بود.